

شوق روزنامه

درپچه

عکاسی فیلم، ثبت تصاویر از بازیگران نیست

بهناز شیربانی

جوان‌ترین عکاس سینما توانست سیمِرع بلورین بهترین عکاس سینما در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر را به خود اختصاص دهد و عکس‌های فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» به عنوان بهترین مجموعه عکس‌های سینمایی، جایزه جشنواره فیلم فجر و جشن هجدهم خانه سینما را دریافت کرد. محمد بدرلو، متولد چهارم خرداد سال ۱۳۷۱ در تهران است. او فعالیت هنری‌اش را از سال ۱۳۸۷ در فیلم سینمایی «مسیر عشق» به عنوان دستیار فیلم‌بردار آغاز کرد. بعد از آن، فعالیت خود را به عنوان فیلم‌بردار پشت صحنه در فیلم‌هایی مانند «ماهی و گربه»، «خانوم»، «خواب‌زده‌ها» و «آینه‌شمعدون» ادامه داد و نخستین تجربه مستقل او به عنوان عکاس در فیلم سینمایی «عصبانی نیستم»، ساخته رضا درمیشیان بود. «خشم و هیاهو»، «خوب، بد، جلف»، «دراکولا»، «دریست»، «اعترافات ذهن خطرناک من» و «کوچه بی‌نام» ازجمله فیلم‌هایی است که او عکاسی کرده است. با محمد بدرلو پس از دریافت جایزه بهترین عکاس جشن هجدهم خانه سینما درباره عکاسی فیلم صحبت کردیم.

❧ دآوری‌های جشن هجدهم خانه سینما و جشنواره فیلم فجر، شباهت‌های زیادی به هم داشت و موفقیت مجموعه عکس‌های «اعترافات ذهن خطرناک من» در هر دو این رویدادها هم یکی از همین تشابه‌هاست؛ این فیلم و عکاسی آن چه ویژگی‌هایی داشت؟ «اعترافات ذهن خطرناک من»، سومین تجربه سینمایی من به عنوان عکاس بود؛ صحبت با هومن سیدی که فضای ذهنی نزدیکی نسبت به موقعیت فیلم داشتیم، باعث شد تا با حس درونی‌ام عکس‌های این فیلم را ثبت کنم و هیچ تصویری نسبت به دیده‌شدن و جایزه‌گرفتن این عکس‌ها نداشتم. هومن سیدی در این فیلم بیشتر درگیر فرم بود و برای من فضای سینمایی و زیبایی داشت. طراحی صحنه، فیلم‌برداری و نورپردازی فوق‌العاده این کار هم به کمک آمد. هرچند در تجربه دوم با هومن سیدی، «خشم و هیاهو»، هم فضاهای خوبی برای عکاسی داشتم و این مجموعه را دوست دارم و به نظر عکس‌های پخته‌تری است؛ اما تصور می‌کنم عکس‌های فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» خاص‌تر است و بیشتر دیده می‌شود.

درباره تشابه دآوری‌های جشن خانه سینما و جشنواره فجر، به نظر من نزدیکی عقاید داوران در هر دو جشن، تنها نشان‌دهنده کیفیت آثار است که توانسته نظر تعداد بسیار زیادی از داوران



با سلاطین متفاوت را جلب کند؛ هرچند بخش عکس داوران محدودتری داشت اما افراد بنام سینما این بخش را داوری کردند و خوشحالم که مجموعه «اعترافات ذهن خطرناک من» نظر هر دو طیف را جلب کرده است.

❧ به‌رحال عکاس، ازجمله افرادی در صحنه فیلم‌برداری است که فیلم را از دریچه و زاویه نگاه خودش روایت می‌کند؛ تا چه حد به رابطه عکاس و کارگردان قائل هستید؟

فیلم‌نامه مشترکی در اختیار کارگردان و عکاس قرار می‌گیرد؛ کارگردان باید از آن فیلم‌نامه یک فیلم جذاب خلق کند و عکاس هم با توجه به فیلم‌نامه فضای ذهنی خودش را از فیلم تصویر کند؛ بنابراین نیاز است عکاس، کارگردانی بداند و کارگردان هم عکس را بشناسد. هرچند همیشه در کارم این نکته را لحاظ می‌کنم که عکاسی فیلم ثبت تصاویر از بازیگران فیلم نیست، بلکه نشان‌دادن شخصیت‌های فیلم است. باید طوری عکاسی کرد که اگر بازیگر بازی خوبی ندارد، اما عکسی که از شخصیت گرفته می‌شود، حس و حال فیلم را القا کند. به نظر من داشتن یک دوربین و عکس‌گرفتن سر صحنه فیلم‌برداری، به تنهایی، عکاسی فیلم نیست، بلکه صاحب نگاه و نظر بودن و درک درست از فیلم‌برداری، فیلم‌نامه و کارگردانی به خروجی کار عکاس فیلم کمک می‌کند. برخی به‌اشتباه تصور می‌کنند عکاسی فیلم، یعنی عکس‌گرفتن از بازیگران. درصورتی‌که تعریف عکاسی فیلم چیز دیگری است و طبعاً نیاز است نظارت بیشتری روی کار کارکنانی که علاقه‌مند به کار در حوزه عکاسی فیلم هستند شود که انجمن عکاسان سینمای ایران علاوه بر صیانت بر حقوق اعضایش، نظارت خوبی بر عملکرد عکاسان تازه‌وارد دارد.

❧ تأییدشدن در دو جشن بزرگ سینمایی و دریافت جوایز، چه تأثیری در روند کار شما خواهد داشت؟

هر روز تلاش می‌کنم کارم را بهتر و شناختم را نسبت به سینما بیشتر کنم. معتقدم برخی عکاسان بسیار خوبی هستند اما درکی از سینما ندارند. نیاز است تا ذات سینما را متوجه شویم و بعد روی تکنیک‌های عکاسی کار کنیم. فیلم‌دیدن و کتاب‌خواندن ازجمله مواردی است که ذهن عکاس سینما را خلاق‌تر می‌کند. طبعاً عکس‌گرفتن از یک پلان را نمی‌توان عکاسی فیلم دانست بلکه نیاز است عکاس صاحب نگاه و تفکر باشد؛ در غیراین‌صورت هر کسی می‌تواند عکاس فیلم باشد؛ در واقع می‌توان گفت عکاس باید صاحب نگاه شخصی و فردی خودش باشد.

متأسفانه جایگاه عکاسی سینما آن‌طورکه باید جدی و جایگاه اصلی این حرفه در نظر گرفته نمی‌شود. دوربین دیجیتال عکس‌گرفتن را راحت‌تر کرده است اما این به این معنی نیست که عکس‌گرفتن هم راحت است. این نگاه عکاس است که او را از دیگران متمایز می‌کند. باید باور کنیم که عکاسی پاپاراتزی با عکاسی سینما متفاوت است.

روی صحنه

«از زیرمین تا پشت‌بام» در تماشاخانه ایرانشهر

مهین صدری که به‌تازگی اجرای «ایوانف» را در مقام بازیگر به پایان رسانده، این روزها با «از زیرمین تا پشت بام» در مقام نویسنده در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است. نمایش «از زیرمین تا پشت بام» را افسانه ماهیان کارگردانی کرده و این‌نمایش اجرای عمومی خود را در تماشاخانه ایرانشهر آغاز کرد.

این نمایش دومین همکاری صدری با ماهیان بعد از نمایش «هم‌هوایی» است.

«از زیرمین تا پشت‌بام» با بازی الهام کردا، صابر ابر، هوتن شکیبا و ماریـن ون هولک، ساعت ۱۹ اجرا می‌شود.

منوچهر شجاع طراح صحنه، لباس و نور، محمدرضا حسین‌زاده مدیرتولید، زمان وفاجویی دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز، امیر اسمعی طراح پوستر و بروشور، مهرداد متجلی عکاس و ساخت ویدئو و محمدرضا جدیدی طراح موسیقی، صدا و افکت این اثر نمایشی هستند.

نمایش «سه خواهر و دیکران» حمید امجد نیز اجراهای خود را مجدداً در سالن اصلی تئاتر شهر از سر گرفته است. این نمایش که تلفیقی از متون مشهور دنیای ادبیات نمایشی است و در آن از شاه لیر تا هملت و مکبث شکسپیر، از مردم به دست بیاروند؛ چنین حرکت‌هایی موجب ایجاد سه خواهر تا باغ آلبالوی چخوف را می‌توانید پیدا کنید و از سویی افشین هاشمی نیز براساس سنت‌های نمایشی ایران در آن نقش سیاه را بازی می‌کند، فرصت مغتنمی برای دوستداران تئاتر است. باید هر چه سریع‌تر این نمایش را یکباره و چندباره تماشا کرد و در لحظات آن، عشق و جنون و یأس و امید توأمان را زندگی کرد.

افشین هاشمی، ریحانه سلامت، معصومه رحمانی، مارال آتش‌ی، رامین سیار دشتی، علیرضا ناصحی، داریوش موق، محسن حسینی، پیام امیربدهالهیان، سام کیودوند، بهنوش بختیاری و جمشید جهانزاده در این اثر نمایشی به ایفای نقش می‌پردازند.

حمید امجد بعد از ۱۳ سال

دوری از کارگردانی تئاتر با سه

خواهر و دیکران به این عرصه

بازگشته است.

این نمایش به سرگذشت‌های هم‌زمان سه خواهر (الکا، ماشا و ایرینا) با عشق‌ها، کامیابی‌ها و ناگامی‌هایشان می‌پردازد که فیروز، خدمتکار قدیمی عمارت پدری، شاهدشان است و ماجراهایشان را برای همسایه‌شان آقای چخوف نقل می‌کند.

متن این نمایش را حمید امجد به نگارش درآورده است.

نمایش‌نامه «سه خواهر و دیکران» سال ۹۴ از سوی انتشارات نیلا به چاپ رسیده است.

حمید امجد پیش از این در عرصه کارگردانی تئاتر آثار موفقی مانند «نیلوفر آبی»، «بیستوخانه»، «شب سیزدهم»، «زائر» و «بی شیر

و شکر» را به صحنه برده است.

وی جوایز متعددی، ازجمله جایزه بهترین نمایش‌نامه و بهترین کارگردان را از هفدهمین جشنواره تئاتر فجر و همچنین جایزه بهترین نمایش‌نامه دوازدهمین جشنواره تئاتر آیینی و سنتی را برای نمایش «زائر» دریافت کرده است. اجراهای قبلی او اغلب رکورد آمار تماشاگران در هر تالار تئاتر را جابه‌جا می‌کرد و «شب سیزدهم» او هنوز از پرفروش‌ترین اجراهای تاریخ تئاتر ایران محسوب می‌شود.



عکس: مونا شیربانی

سیمای سالم‌زیستن

آسیب‌شناسی ساخت این‌گونه برنامه‌ها در رسانه ملی و چگونگی ساخت آنها داریم؛ اینکه ساخت برنامه‌هایی از جنس برنامه‌های سلامت‌محور غالباً در محتوا و ساختار نیاز به چه قالب‌هایی برای جذب مخاطب دارند؟ یا اینکه تلاش‌های اخیر رسانه ملی برای تغییر ساختار این‌گونه برنامه‌ها، موفقیت‌هایی در پی داشته است یا خیر؟

این عشق را کور نکنید

چهارشنبه‌سوری دچار صدمه شریان ران می‌شود و مادر شجاع و فداکار آن جوان با این توصیه جان فرزندش را نجات می‌دهد و موارد مشابه این واقعه وجود داشته که غیر از این عمل کردند و جان مصدوم از دست رفته است. چنین صحبت‌هایی را می‌توان در قالب برنامه‌هایی با حضور هنرمندان عزیز ارائه داد تا هم جذاب باشد و هم پیام‌رسان. ساختار برنامه نکته مهمی است که می‌تواند احساس خوبی در مردم ایجاد کند. فکر می‌کنم پرداختن به مسئله بهداشت و درمان با حضور پزشکان در رسانه‌ها فراتر از چیزی است که امروزه به آن پرداخته می‌شود. ازجمله دستمزد بالای پزشکان و مسائلی از این قبیل که گهگاه بعضی از مسئولان سوژه کم می‌آورند و به پزشکان مظلوم حمله می‌کنند تا محبوبیتی بین مردم به دست بیاروند؛ چنین حرکت‌هایی موجب ایجاد سوءتفاهم‌هایی در جامعه و عدم‌اعتماد بین پزشک و بیمار می‌شود. شاید این نکته را بسیاری از افراد جامعه ندانند که سطح پزشکی ایران در دنیا بسیار بالاست و توانمندی جراحان رشته‌های مختلف کشور در مقایسه با بسیاری از کشورها مایه افتخار است. واجب است که این افتخار را تقویت کنیم نه‌اینکه با دست خودمان بی‌اعتمادی در کشور ایجاد کنیم تا دو آن به چشم بیماراران برود. بسیاری از پزشکان ما با علاقه کار می‌کنند و در یافتنی‌شان در مقایسه با دیگر کشورها، در کمترین حد است. جراحی که در تمام شب به‌ویژه در مناطق دوردست کشور برای نجات جان بیمار تلاش می‌کند، تیمه‌عاشق کارش و نجات جان بیمارانش است که به او انرژی می‌بخشد و من از دوستان قلم‌به‌دست و رسانه‌دار خواهم می‌کنم که این عشق را کور نکنید. درباره رابطه مالی بین پزشک و بیمار باید گفت تعریفه امروز ترجمه سال ۱۳۸۰ کتاب تعریفه‌هاست که امروز اجرا می‌شود. به عقیده من بیمار در دوره سلامت باید بخشی از درآمد خود را صرف بیمه کند و بیمه مربوطه هم موظف باشد طبق شرایط روز دنیا با پزشک قرارداد ببندد و متعهد به پرداخت به‌موقع باشد نه‌اینکه یک طرف هر اقدامی که دلش خواست انجام بدهد. بیمار در شرایط بیماری، به‌جز غصه بیماری‌اش، نباید غم دیگری داشته باشد و این میسر نخواهد شد مگر آن‌که تعریفه‌ها عادلانه و بیمه‌ها خوش‌حساب باشند و در قراردادها پزشک خود به‌عنوان خدمت‌دهنده نقش مستقیم داشته باشد.

شرق: برنامه‌های سلامت‌محور، ازجمله برنامه‌هایی است که اغلب مخاطبان بسیاری دارد؛ اما قطعاً نکته مهم در چگونگی انتقال پیام از طریق این برنامه با چگونگی ساخت و تهیه برنامه ارتباط مستقیم دارد. تاکنون بیش آمده که انتقال بسیاری از مفاهیم سخت و پیچیده پزشکی، در قالب برنامه‌هایی که نمی‌تواند این مفاهیم را به شکلی ساده‌تر به

سیمای سلامت، گرفتار ممیزی

از برنامه‌های خارجی، امری تازه در رسانه نیست و سیمای جمهوری اسلامی هم از این مقوله جدا نیست. در گذشته مثلاً برنامه دکتر «فیل» در یکی از شبکه‌ها الگو برداری شد که موفق نبود و درحال‌حاضر نیز برنامه «اکسیر» براساس ایده برنامه دکتر «آز» تولید شده که آن هم موفق نیست؛ هرچند سعی کرده است مجری‌محوری، طنز، آگاهی‌بخشی و... را که علل موفقیت دکتر «آز» است، دقیقاً اجرا کند. علت توفیق‌نیافتن این دست برنامه‌ها بی‌توجهی به ارتباط شدید قالب و محتوای انتخابی، زبان و نشانه‌شناسی تصویر اعم از اجرا، تیپ و جنسیت شرکت‌کنندگان، تعامل با شرکت‌کنندگان و... با فرهنگ، جامعه و گفتمان حاکم بر کارکرد رسانه‌ای است. در دکتر «آز» مجری، خود دکتر معروفی است که در زمینه‌های ارتباطی اعم از سایت‌های اینترنتی، تلویزیون و سمینارهای تخصصی مشهور و مورداعتماد است. در «اکسیر» ما با مجری موفق و خوش‌اجرا و باسوادی سروکار داریم که سعی در گرم‌کردن برنامه دارد ولی اعتبار پزشکی برنامه را از دکتری می‌گیرد که نقش دوم را برعهده دارد و در سایه بازیگر نقش یک است و این امر نقض غرضی آشکار در هدف برنامه است که باعث می‌شود کم‌کم مخاطب درون منزل از دست برود و شرکت‌کنندگان در استودیو هم کسانی باشند که می‌خواهند در برنامه‌ای در سیمای شرکت کنند و خود را در قاب ببینند که آنها نیز پس از مدتی تبدیل به هنروران کارمردی می‌شوند. دیگر اینکه مجری دکتر «آز» دست‌کشاده‌ای در انتخاب موضوع و شرکت‌کننده و نحوه برخورد با آنها دارد که «اکسیر» فاقد آن است و به یاد داریم که یک شوخی ساده و تلاش برای آموزشی از طریق بازی به بحرانی تبدیل شد که برنامه به افشای پشت صحنه و پوزش‌خواهی افتاد، درحالی‌که این شوخی با خود سیمای بود و نه مخاطب. از این دست است برنامه‌هایی درباره ایدز، بیماری‌های زنان، استفاده از مولاژها در برنامه‌ها و ... به‌رحال برنامه‌های سلامت‌محور نیز مانند بسیاری برنامه‌ها گرفتار ممیزی و خطوط قرمزی هستند که در کوتاه‌مدت آنها را به روزمرگی می‌اندازند و برنامه‌های مشاوره‌ای خاص می‌شوند و هدف اصلی که آموزش روش سالم‌زیستن است، فراموش می‌شود.

جذب مخاطب با تغییر در ساختار برنامه‌سازی

دنیا سعی کردیم به این طرح برسیم و به قول خودمان آن را ایرانیزه کنیم. به گمان من لازم نیست از ابتدا همه‌چیز را ابداع کرد، می‌توان با نگاه به نمونه‌های موفق دنیا و اینکه خواست و علاقه مخاطب به چه چیزهایی است، برنامه‌ای تعریف کرد که تمام فاکتورهای برنامه موفق را داشته باشد. طبعاً کشورهای غربی به‌لحاظ پیشرفت در برنامه‌سازی از ما جلوتر هستند و پیشگام‌تر حرکت می‌کنند و اشتباه نیست اگر برای موفقیت یک برنامه سعی کنیم الگوی برنامه‌سازی را از برنامه‌های موفق دنیا استخراج کنیم. طبعاً من هم با الگوبرداری عین‌به‌عین مخالفم، اما رسیدن به ساختاری استاندارد و همسوکردن آن با برنامه‌ای که تعریف شده است، اشتباه نیست. ما هم در «اکسیر» سعی کردیم براساس فرهنگ ایرانی برنامه‌ای بسازیم و «اکسیر» برنامه‌ای است که با ترکیب

مصطفی شریفی (برنامه‌ساز): محتوا و ساختار برنامه دو مقوله متفاوت است. تصور می‌کنم اگر ساختار برنامه را به‌گونه‌ای تعریف کرد که برای مخاطب جذاب باشد، می‌توان هرگونه برنامه‌ای را در آن قالب تعریف کرد تا مردم بهتر با برنامه همراهی کنند. زمانی که طرح برنامه سلامت‌محوری مثل «اکسیر» پیشنهاد شد، صحبت‌های زیادی مبنی‌بر چگونگی طراحی چنین برنامه‌ای مطرح شد. تلاش گروه این بود که مفاهیم مطرح‌شده را با ساختار متفاوتی به مخاطب ارائه کنیم و ایده‌هایی که طراحی شد فراتر از چیزی است که درحال‌حاضر در این برنامه می‌بینید، اما محدودیت‌ها و اتفاقاتی از این دست باعث شد تا ساختار و محتوای برنامه را به شکلی که می‌بینید طراحی کنیم. این نوع برنامه‌سازی که در «اکسیر» می‌بینید، در تمامی دنیا انجام می‌شود و ما هم با نگاه به برخی از برنامه‌های موفق